

- ۱- تهذیب الاسماء واللغات، محیی الدین نووی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۱، ص ۳۴۴؛ ذخائر العقبی، محب الدین طبری، دارالمعرفه، بیروت، ص ۵۷؛ الاثمه الاثنی عشر، ابن طولون، تحقیق صلاح الدین منجد، منشورات رضی، قم، ص ۴۷؛ محاضرة الاوائل، علاء الدین سکنواری بسنوی، دارالکتب العربی، بیروت، ص ۸۱؛ نور الانصار، مؤمن شبنجی، دارالجیل، بیروت، ص ۱۶۳.
- ۲- سیره ابن هشام، تحقیق گروهی از فضلا، بیروت، ج ۲، ص ۲۴۹؛ مسند احمد حنبل، دارالفکر، بیروت، ج ۴، ص ۱۶۳.
- ۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، ج ۴، ص ۶۳.
- ۴- البقره، ۲: ۲۴-۲۵.
- ۵- البقره، ۲: ۲۰۷.
- ۶- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۶۷۳؛ معاویه و تاریخ (ترجمه النصائح الکافیة) محمد بن عقیل حضرمی، ترجمه عطاردی، انتشارات مرتضوی، تهران، ص ۱۰۲.
- ۷- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۷۳.
- ۸- معاویه سالی را که کار جنگ با امام حسن (ع) به متازکه و صلح انجامید - به زعم باطل خود - به عنوان اینکه مسلمانان در این سال متحد شدند «عام الجماعه» نامید!
- ۹- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۴-۴۶؛ بالخصوص، ص ۴۳.
- ۱۰- همان، ص ۴۳.
- ۱۱- صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، ج ۱، ص ۱۱۴؛ صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دارالحدیث، قاهره، ج ۴، ص ۱۸۷۴-۱۸۷۵؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، ص ۱۶۷.



یکی از صفات بارز علی (ع) زهد و ساده زیستی آن حضرت است. البته زهد به معنای واقعی آن، یعنی دل نیستن به مظاهر دنیا نه کناره گیری از آن. حضرت به قدری به امور دنیوی بی اعتنا بود و ساده و بدون تشریفات زندگی می کرد که نهایتاً نشانه ساده زیستی را از رسول خدا (ص) دریافت نمود و پیامبر (ص) او را «ابوتراب» نامید و این برای حضرتش افتخاری است بس بزرگ. گویند ابوتراب محبوبترین کنیه برای امیرالمؤمنین (ع) بود و هرگاه وی را بدین کنیه می خواندند خوشنود و شادمان می گشت. (۱) داستان مکتی شدن حضرت به ابوتراب را عمار یاسر - رضوان الله علیه - این گونه نقل می کند:

من و علی بن ابی طالب در جنگ عشیره با هم بودیم، هنگامی که رسول خدا (ص) در آنجا فرود آمد و موضع گرفت، گروهی از طایفه بنی مدلیج را دیدیم که در چشمه و نخلستان خود مشغول کارند. علی بن ابی طالب به من گفت: ای ابوالیقظان می آیی نزد این قوم برویم و ببینیم چگونه کار می کنند؟ گفتم: اگر بخواهی می رویم. پس نزد آنان رفتیم و ساعتی کارهایشان را تماشا نمودیم، آن گاه خوابان گرفت، رفتیم در بین نخلهای کوچک روی خاکهای نرم خوابیدیم. به خدا سوگند کسی ما را بیدار نکرد جز رسول خدا (ص) او با پاهایش ما را حرکت می داد (ما از خواب بیدار شدیم) در حالی که خاک آلود بودیم. در آن روز رسول خدا (ص) چون علی بن ابی طالب را خاک آلود دید، به او گفت: «مالک یا ابأتراب؟» تو را چه شده ای ابوتراب؟ (که تو چنین خاک آلود شده ای؟). سپس فرمود: آیا شما را آگاه نکنم از دو نفر که بدبخت ترین مردم اند؟ گفتیم: آری، ای رسول خدا. فرمود: یکی مردك سرخ روی قوم ثمود که ناقه (صالح) را پی کرد و دیگر آن که به اینجای تو ضربت می زند - و دستش را بر پیشانی علی گذاشت - آن گاه محاسن علی را گرفت و گفت: تا اینکه این از خون آن تر شود. (۲)

### تحریف تاریخ و جنایت امویان

دودمان بنی امیه که با طمع و آمال پلید و آرمانهای شیطانی و در پرده نفاق داخل جمع مسلمانان شده بودند، برای آنکه بتوانند خاندان بنی هاشم و فرزندان ابوطالب بویژه امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان او را از صحنه خلافت خارج کنند، دست به کاری بس ننگین و خائنانه زدند که عبارت بود از افترا بستن به علویان، خصوصاً علی (ع) و جعل فضایل و مناقب برای دیگران. متفکر بزرگ اهل سنت ابن ابی الحدید معتزلی گوید:

## کنیه «ابوتراب» افتخار امیرالمؤمنین (ع)

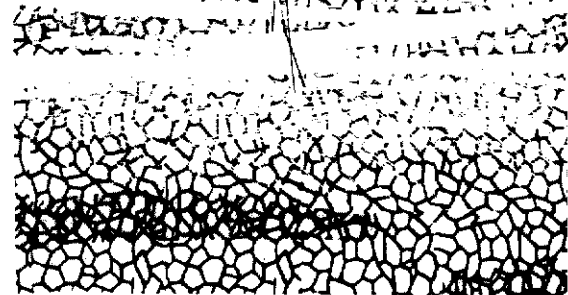
### سیدعلی میرشریفی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



۱۳۳



- ۱۲- سيرة ابن هشام، ج ۲، ص ۲۵۰؛ سيرة حلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ص ۱۲۷.
- ۱۳- مناقب، ابن شهر آشوب، کتابفروشی علامه، قم، ج ۲، ص ۱۱۵.
- ۱۴- مناقب، ابن مغزالی، به کوشش محمدباقر بهودی، اسلامیة، تهران، ص ۹۰، مقتل الحسین، خوارزمی، داوری، قم، ج ۱ و ص ۱۰۸؛ کفایة الطالب، کنجی شافعی، به کوشش محمدهادی امینی، دار احیاء تراث اهل بیت، تهران، ص ۳۱۷.
- ۱۵- مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۶؛ الذرية الطاهرة، دولابی، تحقیق سیند محمدجواد حسینی جلالی، انتشارات اسلامی، ص ۹۳؛ کشف الغممة، اربلسی، بیروت، ج ۱، ص ۱۵۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ج ۲۳، ص ۱۳۶.
- ۱۶- مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۶۰؛ فرائد السمطين، جوینی، به کوشش محمدباقر محمودی، بیروت، ج ۲، ص ۶۸.
- ۱۷- مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۶؛ الذرية الطاهرة، ذخائر العقیبی، ص ۷۸؛ الرياض النضرة، محب الذین طبری، بیروت، ج ۳-۴، ص ۱۴۱؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۹۲؛ بحار الانوار، کشف اليقین، علامه حلی، به کوشش حسین درگاهی، وزارت ارشاد، تهران، ص ۱۱۴ و ۱۱۷.
- ۱۹- احزاب، ج ۳: ۳۳.
- ۲۰- رك: سيرة ابن هشام، ج ۲، ص ۲۴۹؛ طبقات ابن سعد، بیروت، ج ۲، ص ۱۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۶۲؛ انساب الاشراف بلاذری، به

شیخ ما ابو جعفر اسکافی -رحمة الله علیه- گفته است: معاویه گروهی از صحابه و تابعین را گمارد تا اخبار زشتی را درباره علی که موجب طعن او و براءت از وی می شود روایت کنند. و برای آنان پاداش کلانی معین کرد که هر کسی بدان تمایل پیدا می کرد! پس آنچه را می خواست ساختند! از آنهاست ابوهریره و عمرو بن عاص و مغیره بن شعبه و از تابعین عروه بن زبیر. (۳)

و نیز ابو جعفر اسکافی گوید:

معاویه یکصد هزار درهم به سمرة بن جندب داد تا اینکه روایتی جعل کند که آیه «ومن الناس من يعجبك قوله في الحياة الدنيا ويشهد الله على ما في قلبه و هو ألد الخصام»\* و إذا تولی سعی فی الأرض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد» (۴) درباره علی (ع) نازل شده است! و آیه: «ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» (۵) در مورد ابن ملجم نازل شده! سمره نپذیرفت، پس دوست هزار درهم داد نپذیرفت، سیصد هزار درهم داد نپذیرفت، چهار صد هزار درهم داد، آن گاه پذیرفت و آن را روایت کرد! (۶)

و نیز گفته:

تحقیقاً این مطلب صحیح است که بنی امیه از اظهار فضایل علی (ع) ممانعت می کردند و راوی آن را مجازات می نمودند. کار به جایی رسید که اگر کسی از او حدیث نقل می کرد که اصلاً ربطی به فضایل وی نداشت، بلکه مربوط به احکام دین بود (با این حال) جرأت نداشت نام او را ذکر کند، پس (به کنایه) می گفت: عن أبي زینب. (۷)

مورخ کبیر اهل سنت ابو الحسن مدائنی گوید: معاویه پس از عام الجماعة (۸) بخشنامه واحدی به کارگزاران خود (بدین شرح) نوشت: «از ذمه من بری است کسی که درباره ابوتراب و اهل بیت اختلافی نیست در اینکه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) از نظر اخلاق شریف ترین و نیز از نظر بردباری صبورترین مردم است». (۱۸) و در یک کلام حضرت امیر (ع) به نص آیه تطهیر (۱۹) از هرگونه زشتی و پلیدی و سوء خلق منزّه است. اینک دلایل و شواهدی که این ماجرای ساختگی را مردود می داند در پی می آوریم:

۱- روایت صحیح و معتبر درباره کنیه حضرت علی (ع) به ابوتراب همان روایت عمار یاسر است، روایت عمار در اکثر جوامع روایی و منابع تاریخی آمده است. (۲۰)

۲- حضرت علی و فاطمه (ع) بنا بر تصریح قرآن معصوم اند و علمای امامیه اجماع بر این مطلب دارند. (۲۱) این گونه امور با مقام عصمت سازگار نیست، زیرا پیامبر (ص) درباره علی (ع) فرمود: «من أبغض علیاً فقد



کوشش محمدباقر محمودی، اعلمی، بیروت، ج ۱، ص ۸۹؛ خصائص نسایی، به کوشش محمدباقر محمودی، بیروت، ص ۲۸۰؛ مشکل الآثار طحاوی، ج ۱، ص ۳۵۱؛ تاریخ طبری، اعلمی، بیروت، ج ۲، ص ۱۲۳؛ مستدرک حاکم، دارالمعرفه، بیروت، ج ۳، ص ۱۰۳؛ دلائل النبوه، ابونعمان اصفهانی، تحقیق محمد رواص قلنجی- بیروت، البرعباس، بیروت، ص ۵۵۲؛ دلائل النبوه، بیهقی، تحقیق عبدالمعطی قلنجی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۳، ص ۱۲؛ شواهد التزیل، حسکانی، به کوشش محمدباقر محمودی، وزارت ارشاد، تهران، ج ۲، ص ۲۴۱؛ مناقب، ابن مغازلی، ص ۹۹؛ فرائد السمطین، جوینی، به کوشش محمدباقر محمودی، بیروت، ج ۱، ص ۳۸۴؛ سیره ابن سیدالناس، دارالمضارعه، بیروت، ج ۱، ص ۳۰۰؛ تاریخ الاسلام، ذهبی (المنغازی)، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتب العربی، بیروت، ص ۴۷؛ سیره ابن کثیر، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت، ج ۲، ص ۱۳۶؛ مجمع الزوائد هیمی، بیروت، ج ۹، ص ۱۳۶؛ امتاع الاستماع، مقریزی، تحقیق محمود محمد شاکر، قاهره، ص ۵۵؛ تاریخ الخمیس، بیروت، ج ۲، ص ۳۶۴؛ کنز العمال، مؤسسة الرساله، بیروت، ج ۱۵، ص ۱۲۳؛ سیره حلبی، ج ۲، ص ۱۱۲۶؛ بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۸۸؛ الغدیر، ج ۶، ص ۳۳۳.

۲۱- رک: تبیان، شیخ طوسی، به کوشش احمد حبیب قصبیر، بیروت، ج ۸، ص ۳۴۰؛ مجمع البیان، طبری، اسلامیه، تهران، ج ۷-۸، ص ۳۵۷. و نیز بنگرید به: فصول المختاره، شیخ مفید (ضمن مجموعه مصنفات شیخ مفید) ص ۸۸.

ابغضنی و من آذی علیاً فقد آذانی و من آذانی فقد آذی اللّٰه عزوجل». (۲۲) و در مورد حضرت زهرا(س) فرمود: «فمن آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذی اللّٰه». (۲۳) و نیز فرمود: «إِنَّ اللّٰهَ لِيَغْضِبَ لِعْضَبِ فَاطِمَةَ» (۲۴) و خطاب به حضرت فرمود: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللّٰهَ لِيَغْضِبُ لِعْضَبِكَ». (۲۵) بدیهی است که اذیت کردن پیامبر(ص) و آزردن خداوند از گناهان کبیره است و به هیچ وجه با مقام عصمت سازگار نیست.

۳- همان طور که گذشت در برخی از روایات ساختگی آمده است، سیره علی(ع) این بود که هرگاه با همسرش فاطمه(ع) نزاعی داشت قدری خاک بر سر خود می ریخت! همین مطلب زشت و سست دلیل بر ساختگی بودن این ماجراست. آیا چنین امری از یک انسان عاقل سرمی زند؟ تا چه رسد به خاتم اوصیا و انسان کامل و الگو و اسوه نظام بشریت!

۴- پیامبر(ص) کنیه ابوتراب را زمانی به علی(ع) عطا کرد که هنوز فاطمه(س) ازدواج نکرده بود، چرا که غزوه عشیره در ماه جمادی الآخر که شانزده ماه از هجرت گذشته بود رخ داد(۲۶) و حال آنکه عروسی حضرت علی با فاطمه(س) پس از جنگ بدر بود، و جنگ بدر بعد از جنگ عشیره بود. (۲۷) پس قبل از اینکه علی(ع) با فاطمه(س) ازدواج کند، به ابوتراب معروف بوده است.

۵- امین الاسلام طبرسی گوید: «پیامبر(ص) کنیه ابوتراب را به علی داد و آن بدین گونه بود که روزی رسول خدا(ص) دید علی(ع) خود را روی خاک انداخته و در حال سجده است، در این هنگام او را ابوتراب نامید». (۲۸)

۶- رسول خدا(ص) بارها می فرمود: «ما هنگامی که بخواهیم علی را ستایش کنیم به او ابوتراب می گوئیم» (۲۹) حال اگر شأن صدور کنیه آن باشد که دشمنان آن حضرت می گویند، آیا با مدح و ستایش و تحسین سازگار است؟

۷- زفاف حضرت زهرا(س) که تمام شد فردایش رسول خدا(ص) برای دیدار وی به منزل علی(ع) آمد، آن گاه از علی(ع) پرسید: «همسرت را چگونه یافتی؟» گفت: «یاور خوبی است در طاعت خدا» از فاطمه(س) پرسید: «شوهرت چگونه است؟» گفت: «شوهر بسیار خوبی است.» در این هنگام رسول خدا(ص) برای آنان دعا کرد: «بارخدا یا جمعشان را پراکنده مکن و بین دلهایشان الفت بیفکن و...». (۳۰) روشن است که دعای پیامبر(ص) مستجاب است.

۸- امام صادق(ع) فرمود: «خداوند تبارک و تعالی به پیامبرش وحی نمود که به فاطمه بگو از دستورات علی سر باز مزن، زیرا که اگر او خشمناک شود من نیز به سبب خشم وی خشمناک می شوم». (۳۱) با توجه به اینکه حضرت زهرا معصوم است امکان ندارد از فرمان خدا و رسول وی سرپیچی



نماید.

۹- حضرت فاطمه(س) در حال احتضار امیرالمؤمنین را خواست تا به او وصیت کند، قبل از وصیت گفت: «ای پسر عمو، من هیچ گاه به تو دروغ نگفتم و خیانت ننمودم و از زمانی که با من زندگی کردی با تو مخالفت نکردم. علی(ع) فرمود: پناه به خدا می برم! تو داناترین شخص نسبت به خدایی، و پرهیزگارترین و بزرگواریترین و خدا ترس ترین مردم هستی، جدایی از تو و از دست دادنت بر من بسیار دشوار است، اما چه می توان کرد این امری است که گریزی از آن نیست...». (۳۲) می بینیم که هر دو بزرگوار تصریح می کنند که یکدیگر را خشمگین و ناراحت نکرده اند.

۱۰- رسول خدا(ص) به فاطمه(س) فرمود: «ای فاطمه، همانا علی نزد خداوند بزرگوارتر از هارون است، زیرا هارون موسی را خشمگین نمود، و حال آنکه علی هیچ گاه مرا خشمگین نساخت. سوگند به آنکه پدرت را به حق به پیامبری مبعوث کرد هرگز یک روز هم بر او غضب نکردم، و هیچ گاه نگاه نمودم به چهره علی جز آنکه خشم از من رخت بریست». (۳۳) روشن است، طبق اخباری که فریقین -شیعه و سنی- نقل کرده اند اگر علی(ع) فاطمه(س) را به خشم می آورد رسول خدا(ص) را خشمگین ساخته بود.

۱۱- شیخ صدوق به سند خود از عبایه بن ربیع نقل کرده که او گفت:



[امام] حسن (ع) رخ داد. شیعیان ما در هر شهری کشته شدند و به اتهام تشیع دست و پای آنان قطع شد و کسی که گفته می شد ما را دوست دارد و از دوستان ماست حبس می شد و یا اموالش به غارت می رفت یا آنکه خانه اش ویران می گشت. (۱۰)

یکی از دهها دروغ و افتزایی که علیه دودمان بنی هاشم و ابوطالب (ع) گفتند داستان مکتی شدن علی (ع) به «ابوتراب» است، شأن صدور و تاریخچه کتبه ابوتراب همان بود که از عمار یاسر نقل شد، لیکن آن را وارونه جلوه داده و نسبت به امیرالمؤمنین (ع) و حضرت فاطمه (س) اسائه ادب نموده و چنین گفتند:

روزی رسول خدا (ص) به خانه فاطمه آمد، علی را در خانه نیافت، از فاطمه پرسید: پسر عمویت کجاست؟ گفت: بین ما نزاعی بود بر من خشمگین شد، لذا نزد من ماند و از خانه بیرون رفت. رسول خدا (ص) به شخصی فرمود: بین او کجاست. آن شخص (رفت سپس) آمد و گفت: ای رسول خدا (ص) او در مسجد خوابیده است. رسول خدا (ص) به مسجد آمد، دید علی خوابیده، در حالی که ردای وی از دوشش افتاده و خاک آلود شده است. رسول خدا (ص) شروع کرد به تکاندن خاکهای او و می فرمود: برخیز ای ابوتراب! برخیز ای ابوتراب! (۱۱)

و نیز گفته اند:

روش علی این بود که هر گاه در مورد چیزی نسبت به فاطمه خشمگین می گشت با او سخن نمی گفت و او را ناراحت نمی کرد، جز آنکه قدری خاک روی سر خود می ریخت! رسول خدا (ص) نیز هر گاه می دید خاک بر سر علی است می دانست که نسبت به فاطمه خشمگین است! (۱۲)

### نقد و بررسی این روایات

کسی که اندک اطلاعی از سیره نیکو و زندگانی سراسر افتخار امیرالمؤمنین (ع) دارد می داند که شأن و مقام و منزلت حضرت اجل و اقدس از آن است که پاره تن رسول خدا (ص) و یگانه فرزند دلبنده وی را بیازارد، امیرالمؤمنین (ع) همان ابرمرد صبر و بردباری است که حتی نسبت به مجسمه شریک، یعنی عمرو بن عبدود غضب نکرد، زمانی که حضرت روی سینه عمرو نشست تا سر وی را از تن جدا کند. عمرو آب دهان به صورت مبارک حضرت انداخت و به او دشنام داد و حضرت را ناراحت کرد، لیکن علی (ع) در آن حال سر عمرو را نبرد و بر او غضب نکرد، بلکه صبر نمود تا شعله خشمش فرونشست، سپس سر عمرو را از بدنش جدا کرد. (۱۳) همان گونه که در صدر مقاله گفته شد علی (ع) متخلق به اخلاق رسول خدا (ص) بود به طوری که پیامبر (ص) به او



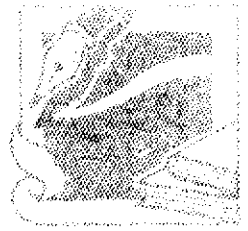
وی فضیلتی نقل کند. «از آن پس خطبا در هر شهر و بر سر هر منبری علی را سب می کردند و از او تبری می جستند و درباره او و اهل بیتش عیبجویی می نمودند.

بدین ترتیب احادیث ساختگی و بهتان شایع شد تا اینکه این اخبار دروغین به دست متدینان، که دروغ و بهتان را حلال نمی شمردند، رسید. آنان نیز این اخبار را پذیرفتند و نقل کردند، این در حالی بود که گمان می نمودند این اخبار صحیح است و اگر می دانستند که آنها دروغ است هیچ گاه آنها را روایت نمی کردند و بدانها معتقد نمی شدند. (۹)

امام باقر (ع) برای یکی از یاران خود موقعیت شیعیان را در آن دوران بیان نموده و در ضمن آن فرموده است:

ما اهل بیت همیشه مظلوم و ضعیف بودیم و طرد می شدیم و محروم بودیم و کشته می گشتیم، امنیت نداشتیم و برجان خود و دوستانمان بیمناک بودیم؛ و حال آنکه معاندان و دروغ پردازان در هر شهری به سبب دروغگویی و عنادشان مقرب دوستان خود و قضات و کارگزاران فاسد بودند، برای آنان احادیث ساختگی نقل می کردند. و برای آنکه ما را از چشم مردم بیندازند چیزهای دروغی را از قول ما روایت می کردند که هرگز ما آن را نگفته و انجام نداده بودیم! بیشتر این کار و معظم آن در زمان معاویه، پس از رحلت

- ۲۲- الریاض النضرة، ج ۳- ۴
- ص ۱۰۹؛ ذخائرالمقبی،
- ص ۶۵؛ مجمع الزوائد، ج ۹،
- ص ۱۳۲؛ کنز العمال،
- ج ۱۱، ص ۶۲۲.
- ۲۳- مناقب، ابن شهر
- آشوب، ج ۳، ص ۳۳۲؛
- کشف الغمه، اربلی، بیروت،
- ج ۲، ص ۹۲- ۹۳؛ فصول
- المهمه، ابن صباغ، اعلی،
- تهران، ص ۱۴۶؛
- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۴.
- ۲۴- کشف الغمه، ج ۲،
- ص ۹۳؛ فرائد السمطين،
- ج ۲، ص ۴۶؛ بحارالانوار،
- ج ۴۳، ص ۵۴؛ ینابیع
- الموده، قندوزی، بصیرتی،
- قم، ص ۱۷۳.
- ۲۵- مستدرک حاکم، ج ۳،
- ص ۱۵۴؛ مناقب،
- ابی مغازلی، ص ۳۵۱؛
- ذخائرالمقبی، ص ۳۹.
- ۲۶- مغازی، واقفی،
- تحقیق مارسدن جونس،
- اعلمی، بیروت، ج ۱،
- ص ۱۱۲؛ سیره ابن سیدالناس،
- ج ۱، ص ۳۰۰؛ امتاع
- الاسماع، ص ۵۴.
- ۲۷- رك: سیره ابن هشام،
- ج ۲، ص ۲۵۷؛ الدرر فی
- اختصار المغازی و السیر، ابن
- عبدالبکر اندلسی، به کوشش
- مصطفی دیب البغا، بیروت،
- ص ۱۰۱؛ امتاع الاسماع،
- ص ۶۱- ۶۲. سیدحیدر حلی
- رحمة الله علیه- گوید:
- هنگامی که علی (ع) به دنیا آمد
- رسول خدا (ص) او را
- «ابوتراب» نامید. رك:
- کشکول، سید حیدر حلی،
- منشورات رضی، قم،
- ص ۴۸. در مورد تاریخ
- عروسی حضرت فاطمه (س)
- رك: ذخائرالمقبی، ص ۲۷.
- ۲۸- اعلام الوری، طبرسی،
- دارالکتب اسلامیه، تهران،
- ص ۱۵۴.
- ۲۹- مناقب، ابن شهر
- آشوب، ج ۳، ص ۱۱۲.
- گسیند: روزی



رسول خدا(ص) در نخلستانهای مدینه دنبال علی(ع) می گشت تا اینکه رسید به باغی و دید علی(ع) مشغول کار است و گرد و غبار سروروی او را گرفته است، خطاب به او فرمود: مردم را سرزنش نمی کنم در اینکه به تو ابوتراب بگویند. **رك: علل الشرايع، شيخ صدوق، دارالبلاغه، بیروت، ص ۱۵۷؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۱.**

۳۰- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۵۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.

۳۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۶-۱۰۷.

۳۲- روضة الواعظین، فنال نیشابوری، منشورات رضی، قم، ص ۱۵۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

۳۳- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۱.

۳۴- علل الشرايع، ص ۱۵۶؛ معانی الاخبار، شيخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، قم، ص ۱۲۰؛ بشارة المصطفی، طبری، نجف، ص ۹. و آیه در سورة نیا: ۷۸، ۴۰.

۳۵- مناقب، خوارزمی، به کوشش مالک محمودی، انتشارات اسلامی، قم، ص ۳۵۳؛ کشف الغم، ج ۱، ص ۳۶۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۳.

۳۶- مناقب، خوارزمی، ص ۳۵۳؛ کشف الغم، ج ۱، ص ۳۶۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

۳۷- مناقب، ابن مغازلی، ص ۳۴۲؛ مناقب، خوارزمی، ص ۲۴۶؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۶-۳۴۷؛ ذخائر العقبی، ص ۳۱-۳۲.

۳۸- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۷.

۳۹- مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۰.

۴۰- علل الشرايع، ص ۱۵۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۷. و روایت عبایه بن ربیع در ذیل شماره ۱۱ گذشت.

فرمود: «خلقت أنا و أنت من شجرة أنا أصلها و أنت فرعها»<sup>(۱۴)</sup> من و تو از یک درخت آفریده شدیم، من ریشه آنم و تو شاخه آن هستی. و در مورد شکیبایی و بردباری او فرمود: «علی خیر امتی، أعلمهم علماً و أفضلهم حلاً»<sup>(۱۵)</sup> علی بهترین امت من است، از نظر دانش از همه داناتر و از جهت بردباری از همه برتر است. و فرمود: «لو كان الحلم رجلاً لكان علیاً»<sup>(۱۶)</sup> اگر شکیبایی به شکل مردی درمی آمد هر آینه آن مرد علی بود. و به فاطمه(س) فرمود: «أنتی زوجتک أقدم امتی سلماً و أكثرهم علماً و أعظمهم حلاً»<sup>(۱۷)</sup> تو را به کسی تزویج نمودم که از همه امتم زودتر اسلام آورد و دانش وی از همه بیشتر و صبر او از همه عظیم تر است.

علامه حلی -رحمة الله علیه- فرموده است: «بین عقلا از عبدالله بن عباس پرسیدم چرا رسول خدا(ص) علی(ع) را ابوتراب نامید؟ گفت: چون که علی پس از رسول خدا(ص) صاحب زمین و حجت خدا بر اهل آن است و بقا و آرامش زمین به واسطه اوست. همانا از رسول خدا(ص) شنیدم می فرمود: هنگامی که روز قیامت فرارسد و شخص کافر ببیند آنچه را خداوند تبارک و تعالی، از پاداش و منزلت و کرامت که بر شیعه علی مهیا نموده است، گوید: ای کاش خاک بودم، یعنی ای کاش شیعه علی بودم. و این همان گفتار خداوند عزوجل است که می فرماید: و يقول الکافر یا لیتنی کنت تراباً.»<sup>(۳۴)</sup>

۱۲- بهترین دلیل و قوی ترین برهان که جای هیچ گونه شکر و تردیدی برای بی پایگی ماجرای مذکور نمی گذارد، فرمایش خود علی(ع) است، گویا حضرتش می دید که در آینده این نسبت ناروا را به او خواهند داد، لذا قبلاً از خود دفاع نمود؛ حضرت در ضمن روایتی طولانی فرمود:

چند روزی که از زفاف ما گذشت رسول خدا(ص) به منزل ما آمد... آن گاه به فاطمه فرمود: دخترم شوهر خوب، شوهرتوست، پس از دستورات وی سرپیچی مکن... سپس به من گفت: ای علی به همسرت نیکی نما و با وی به مهربانی رفتار کن، چون که فاطمه پاره تن من است، می رنجاندم آنچه او را برنجاند و شادمانم می کند آنچه او را شاد نماید؛ شما را به خدا می سپارم.»<sup>(۳۵)</sup>

علی(ع) فرمود: «فو الله ما أغضبتها ولا أكرهتها علی أمر حتی قبضها الله عزوجل؛ ولا أغضبتنی ولا عصت لی أمراً، و لقد كنت أنظر إليها فتتكشف عتی الهموم و الأحزان»<sup>(۳۶)</sup>

به خدا سوگند هرگز او را به خشم نیاوردم و او را مجبور به کاری نکردم تا آنکه خداوند عزوجل وی را به

سرای دیگر برد؛ و فاطمه نیز هیچ گاه مرا خشمگین نساخت و از فرمانم سر باز نزد. همانا هرگاه به او می نگریستم غم و اندوه از دلم رخت برمی بست.

گفتنی است در بسیاری از مآخذ که حدیث کنیه ابوتراب ذکر شده و شأن صدور آن را در مسجد رسول خدا(ص) دانسته اند ماجرای نزاع و غضب امیرالمؤمنین نیامده است از جمله رجوع شود به: صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۸؛ شرح نهج البلاغه ابی ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۲؛ ذخائر العقبی، ص ۵۶-۵۷؛ الریاض النضره، ج ۳-۴، ص ۹۵؛ مرآة الجنان یافعی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ فصول المهمه ابن صباغ، ص ۳۹؛ نورالابصار شبلنجی، ص ۱۶۳ و... .

و دهها قرینه و شاهد دیگر که این مختصر ذکر آنها را بر نمی تابد، و اصولاً اگر کسی قدری اطلاع از چگونگی ازدواج حضرت علی و فاطمه(ع) داشته باشد که کابینشان در عرش و با حضور دهها فرشته بسته شد؛<sup>(۳۷)</sup> و اینکه اگر علی(ع) نبود کفو و همتایی برای فاطمه پیدا نمی شد؛<sup>(۳۸)</sup> و اینکه خداوند به رسول خود فرمود: من راضی شدم و خواستم که علی شوهر فاطمه و فاطمه همسر علی باشد و گویند به همین مناسبت پیامبر(ص) علی(ع) را «مرتضی» لقب داد<sup>(۳۹)</sup> و... به آسانی در می یابد که ماجرای نزاع آن دو بزرگوار کذبیش نیست.

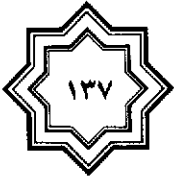
### نظریه دانشمندان شیعه

گروهی از دانشمندان و علمای شیعه بدین روایت که رسیده اند آن را نقد و رد کرده اند، اینک نظر تنی چند از آنان را ذکر می کنیم.

شیخ صدوق -علیه الرحمه- در این مورد گفته است: این خبر نزد من اعتبار ندارد و معتقد نیستم که علت کنیه علی(ع) به ابوتراب این باشد؛ زیرا علی(ع) و فاطمه(س) روششان آن گونه نبود که بین آنها نزاع رخ دهد تا نیاز باشد به رسول خدا(ص) که بین آنان را اصلاح نماید، چون که علی(ع) سید او صیاست و فاطمه(س) سیده بانوان جهانیان است، آن دو بزرگوار در حسن خلق از رسول خدا(ص) پیروی می کردند، عقیده من درباره کنیه ابوتراب روایت عبایه بن ربیع است...»<sup>(۴۰)</sup>

مرحوم علامه امینی در این مورد گوید:

آن دو بزرگوار -سلام الله علیهما- به سبب عصمتی که خداوند، بنابر تصریح قرآن، به آنان عطا نموده به دور از این گونه امورند... این اکاذیب چیزی نیست جز زهر کینه گروه کینه توز که می خواهند با این یاهو گویها قداست امیرالمؤمنین را آلوده و معاشرت پسندیده آن حضرت با همسر مطهره اش را خدشه دار کنند؛ این گونه اراجیف باعث پایین آوردن صدیق اکبر و



- ۴۱- مقصود، امیل درمگام  
فیرانسوی است که این اباطیل  
را در کتاب سست و بی مایه  
حیات محمد ص ۱۹۹ آورده  
است.
- ۴۲- القدر، ج ۶، ص ۳۳۶،  
۳۳۷.
- ۴۳- سیرة الأئمة الاثنی عشر،  
هاشم معروف حسنی،  
منشورات رضی، قم، ج ۱،  
ص ۱۹۳.
- ۴۴- رك: مسند احمد بن  
حنبل، ج ۴ ص ۳۲۶،  
صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۱۲  
و ۲۱۳، صحیح مسلم،  
ج ۴، ص ۱۹۰۳؛ سنن  
ابوداود، تحقیق محمد  
محمی الدین عبدالحمید،  
دار احیاء التراث العربی،  
بیروت، ج ۲،  
ص ۲۲۵-۲۲۶.
- ۴۵- مناقب، ابن شهر  
آشوب، ج ۳، ص ۳۳۲،  
پنابیع الموده، ص ۱۷۳.
- ۴۶- مناقب، ابن شهر آشوب،  
ج ۳، ص ۱۱۲.

ثانیاً: دشمنان حضرت که شنیده بودند رسول خدا(ص) بارها فرموده بود: «انما فاطمة بضعة منی، فمن اغضبها فقد اغضبنی» (۴۵) چون خود آنان و اسلافشان حضرت فاطمه را به خشم آورده و او را اذیت و آزار نموده بودند و... خواستند زشتی این اعمال ننگین را از خود بزایند و به زعم باطل خود به امیرالمؤمنین(ع) نسبت دهند و بگویند این علی بود که فاطمه را به خشم آورد و او را اذیت نمود و...!

ثالثاً: چون برخی از همسران پیامبر(ص) از اقوام مخالفان امیرالمؤمنین(ع) بودند و رسول خدا(ص) را بارها آزرده و به خشم آوردند، خواستند با جعل این اکاذیب وانمود کنند که این گونه امور مسأله مهمی نبوده و موجب طعن و نقص آنها نیست، این مسایل یک امر طبیعی است که در هر خانواده ای رخ می دهد، همچنان که دختر خود رسول خدا(ص) نیز از این امر مستثنی نبود و بارها علی را به خشم آورد و پیشان نزاع رخ داد!

اما علی رغم آن همه جنایت و تحریف تاریخ، سیمای تابناک علی(ع) به عنوان بزرگترین شخصیت تاریخ همچنان می درخشد.

أنا و جمیع من فوق الثراب

فداً لقراب نعل ابي تراب

امام مدحه ذکری و دابی

و قلبی نحوه ماعشت صاب(۴۶)



مگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

صدیقه کبیرا از مقام بلندی که در مکارم اخلاق دارند نمی شود. (۴۱) آری، آنچه دیروز دست حقد و کینه بذرافشانی کرد، امروز به ثمر نشست، به طوری که آن نویسنده امروزی ورقهای کتابش را سیاه کرد و نوشت: علی به مجرد هر امر ناخوشایندی که در خانه می دید، ناراحت می شد و می رفت در مسجد می خوابید؛ آن گاه پدر عیالش (رسول خدا) دست نوازش به شانه او می کشید و وی را موعظه می نمود و بین او و فاطمه را تا مدتی اصلاح می کرد. گویند یک مرتبه پیامبر دخترش را در خانه خود در حالی دید که به سبب سیلی که علی به صورت او زده بود گریه می کرد! (۴۲)

استاد فقیه روحانی محقق مرحوم هاشم معروف حسنی لبنانی در نقد این روایت گوید:

بدون شک این روایت ساختگی است و احتمال دارد آن را ابن اسحاق از عروة بن زبیر، که در سیره اش از او بسیار نقل می کند، گرفته باشد و بدیهی است که عروه عمداً بر ضد علی(ع) دروغ می گفت و احیاناً مطالب زشتی درباره علی و فرزندان او نقل می کرد! عروه اکثر روایاتش را از خاله خود عایشه نقل می کند و حال آنکه بر خورد خصمانه عایشه با علی(ع) و فاطمه(س) بر کسی پوشیده نیست. (۴۳)

### علت جعل این افسانه

این دروغ یکی از دهها تهمتی است که به امیرالمؤمنین و اهل بیت او زدند، اکاذیب و اباطیل زشت تر از این نیز جعل کردند و با دستگاه وسیع تبلیغاتی خود در جامعه آن روز پخش نمودند؛ مانند افسانه خواستگاری حضرت امیر(ع) از حویریه دختر ابوجهل (۴۴) و... همان طور که اشاره شد این گونه یاوگوییها یادگار تلخ دوران به قدرت رسیدن امویان است، آنان برای آنکه علی(ع) و فرزندان او را منزوی کنند و از صحنه خلافت دور نمایند از هیچ تهمت و افتزایی نسبت به اهل بیت(ع) دریغ نوزیدند... وقاحت و بی شرمی را به جایی رساندند که نخستین مسلمان و یگانه یاور رسول خدا(ص) و جانشین و وصی و داماد او را مستحق سب دانسته و بر سر منابر و در محافل خود ولی الله اعظم را سب می نمودند!

باری، در مورد علت جعل این اکذوبه و افسانه نکات زیر به نظر می رسد:

اولاً: امویان به شدت تلاش می کردند تا از مقام بلند و رفیع امیرالمؤمنین و سیدالوصیین(ع) بکاهند و او را تا سرحد یک انسان عادی پایین بیاورند، تا نهایتاً در عصمت حضرت تردید کرده و آن را انکار کنند و بگویند علی -نعموذبالله- اهلیت زعامت و امامت مسلمانان را نداشته است!